

با یادکورش بخشنده - تشکلات مخفی علنی یا راه

سوم

مجید پهلوان

www.majidpahlavan.com

داغ جان فشانی شاهرخ زمانی بردلمان بود که خبر درگذشت رزمنده راه رهایی کارگران رفیق همه خوبان و انقلابیون چپ کوروش بخشنده رسید. کوروش چون همتای خود شاهرخ بواقع در سنگر استواری چون کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری جان فدا نمود. وی بارها واز راه های مختلف وارد آمدن فشار و تهدید وادگاهی شدن خود را از سوی رژیم بربریت بنام جمهوری اسلامی رسانه ای نموده بود و با پیام های خود همچین به وخامت حال و خطر سلامتی اش اشاره کرده بود. این بار اما که بد نیست به واپسین پیام خود او به مجلس بزرگداشت عزیز جان فشان شاهرخ زمانی اشاره ای کنم که کوروش هنوز فریاد میکشد و بنیاد ستم و جور حاکم بر ایران را مورد حمله قرار میدهد. او دانسته و آگاهانه سراغ مرگ رفت. میدانست که سازمان بین المللی (ILO) کارگران هم خانه کارگر جمهوری اسلامی را به عنوان نماینده رسمی کارگران ایران میشناسد! و هنوز هم پس از افشا چندکشتار دسته جمعی و قتل عام های ۳۷ ساله وعلیرغم فشار نهادهای کارگری و چپ این نهاد، دامان جمهوری اسلامی و تروریست دیپلمات هایش را که ماسک کارگری زده اند رها نمیکند.

من اما که در این فرصت کوتاه مینویسم که هر چه اخبار زجرکش کردن فعالین کارگری و مبارزین در حوزه های دیگر چون دانشجویی زنان معلمین و ... بیشتر رسانه ای میشود ، رژیم یک قدم دیگر به هدف خود نزدیک تر و به جهان سرمایه چشمک میزند که ایران امن و امان است و دریای آرامشی است جهت سرمایه گذاری آنها. همین اوضاع و مشابه همین ترندها بارها توسط دیکتاتوربهای کشورهای امریکای لاتین و دیگران برای رضایت ارباب سرمایه اتفاق افتاده است. در بهترین حالت که فاصله سالهای نجومی و نوری با فضای سرکوب در جمهوری اسلامی تفاوت دارند ، همین ترندها در کشورهایی چون برزیل شیلی آرژانتین پرو و... بکارگرفته شد. در حالیکه با سربه نیست کردن رهبران اتحادیه های کارگری و دانشجویی و جنبش بینوایان شهری ، فضای رعب و وحشت ایجاد کردند ، زمینه را برای ورود سرمایه بین المللی فراهم نمودند. از سوی دیگر و با میدان دادن به فعالین اصلاح طلب و رام چون لولا Lula در برزیل و آقا و خانم کرچنر Kirchner در آرژانتین خود را برای روزی که دیکتاتور میسر نباشد آماده نمودند. میدانم که مقایسه اوضاع ایران و جمهوری اسلامی با قدرت های صنعتی چون برزیل مع الفارق است ولی منظور اشاره به خطری است که جدا پشت ساختن چهره اصلاح طلبی برای قهرمانان مردم و امثال شاهرخ زمانی نهفته است. که این روند میتواند مجددا بازگشت به قهقرا و محافظه کاری و سازش طبقاتی و میکروب مربوطه را به درون جنبش انقلابی مردم ایران سبب شود. که خواست وهدف بورژوازی در قدرت و مال باخته ایران هم همین است که از مبارزین بویژه کارگری ، عوامل سازش طبقاتی و شکست جنبش انقلابی بسازند و هویت جعل کنند.

نه برما پوشیده است و نه برارباب سرمایه آنها که اوضاع در ایران و تحت سلطه جمهوری اسلامی نمیتواند به سیاق قدیم و سرکوب مداوم این چنین ادامه داشته باشد و تحلیل رفتن اتوریته رهبری و سپاه پاسداران باید جایگزین درخور توجه بانک جهانی و مشوقین واربابان نئولیبرال و خط مسلط براندام های اصلی سرمایه بین المللی بیاید. که اوضاع همان خواهد شد که فرجام بر جام و نتیجه خط سازش غرب با رژیم بربریت در نظر دارد تا با منزوی نمودن خط دلواپسان و بیت رهبری و بخشی از سپاه که حامی او هستند به منظور بیمه نمودن رژیم و حفظ کلیت آن به جریان اصلاح طلبی بال و پری دوجندان دهند. در این فاصله است که دولت روحانی و جناح مخالف بیت رهبری و سپاه باید از خود جنم و جرات نشان دهند و زمینه را برای ورود هر چه بیشتر سرمایه گذارها آماده نمایند. بخشی از این زمینه سازی برمیگردد به زدن رهبری اعتراضات کارگری دانشجویی دبیران و پرستاران و... ولی تلاش اصلی رژیم تبدیل جنبش و مبارزه کارگران از اردوی مخالف و تشکل انقلابی به قطب مصالحه جو و اصلاح طلب و خواهان پذیرفتن سهم شیر است! در حالیکه کارآئی امثال خانه کارگرها به مرور کاهش یافته و بی اعتنائی فضای کارگری به آنها آشکار میشود ، بورژوازی در قدرت و خارج از حکومت تلاش میکند تا خط مماشات و اصلاح طلبی کاذب را بدرون جنبش طبقه کارگر سرایت داده و آنها را از رهبران ستیزه جو به همدستان مصالح کار تبدیل نماید. ابتدای این کار مخدوش کردن چهره مبارزین است.

هستند بشمار فعالین کارگری که معتقد به اصل مخفی کاری در محیط های کار روزندگی مبارزین هستند. صدها مبارز کارگری در هر شهری که معتقد به زدن هسته های مخفی درون محل کار و فعالیت هم زنجیران خود هستند. آنچه که پیش آمده این است که رفقا میبندارند یا باید راه و روش شاهرخ ها و کوروش ها را رفت و در رسیدن به اهداف کمیته هماهنگی و مسابه آن کوشا بود ویا مقابل آن واقع شد! از سوی دیگر بشمار فعالین که خود را آماده رزم و ترجیح میدهند که علنی کاری نکنند و صرفا در جهت زدن کمیته های و یا هسته های مخفی فعالیت نمایند. بازتاب این دو نگاه و زوایه برخورد به مسئله تشکیلات و مبارزه در برون مرز ، دواردوی جداگانه فکری بوجود آورده که بی شک یکی دیگری را نفی و بر موضع خود پای می فشارد. من اما که معتقدم تاریخ مبارزه کارگری ویا هر تشکل انقلابی دیگر موید و اثبات کننده راه سومی است که تمام انقلابیون موفق جهانی بدان وفادار ماندند. نکته ای که فراموش شده اینک کسی جای دیگری را جدا تنگ نکرده و عرصه فعالیت انقلابی از جمله تلاش های کارگری و در جهت ایجاد تشکل های مستقل و آزاد برای همگان فضای کافی دارد. نگاهی کنیم به پیش سوتان و تاریخ انقلابات قرن بیستم. در حالیکه هسته های سرخ کارخانجات محلات و محیط های کار روزندگی و آموزشی هر کدام دارای هسته های مخفی و ماندگار بودند لیکن در عرصه علنی و قانون گرایی نیز تشکلات جداگانه و تاثیرگذار خود را حفظ کرده تادرهمه ابعاد جامعه حضور داشته وهم رژیم هارا به عقب نشینی وا دارند وهم از سوی دیگر ماندگاری مبارزه و مبارزین را از طریق تداوم تشکیلات مخفی و ماندگار تضمین نمایند. این دو اکیدا نه تنها نفی یکدیگر نبوده که لازم و ملزوم یکدیگرند. سری بزینم به اشتباهی که که در محیط های کارگری و در سال های ۶۲ - ۵۸ خورشیدی روی داد. اغلب سازمانهای مبارز و چپ در محیط های کارگری دانشجویی زنان و پرستاران آموزگاران و استادان تمامی تخم مرغ های خود را در سبد مبارز و تشکیلات علنی و شناخته شده قرار دادند و با هجوم مستمر تروریستهای رژیم و با ضربه خوردن چهره های اصلی و راهبر هر تشکیلاتی در محیط کار ، اساس کمیته مزبور از هم گسیخته شد! باور نمیکند لطفا از رفیق با تجربه بغل دستی خود جويا شوید که وقتی علنی ها در کارخانجات و حتی محیط های وسیع چون راه آهن و ذوب آهن و ماشین سازی ها ... ضربه خوردند. (منظور شناخته شده ها) چگونه بنیاد هسته و کمیته و

بازوی مبارزاتی یک سازمان چپ در کارخانه و... از هم پاشید.

از دست دادن چهره هایی چون شاهرخ زمانی و اکنون کوروش بخشنده و وخامت حال صالحی ها بواقع نگران کننده است. آنچه که مسلم و مشهود است رژیم هیچگونه بهایی و هزیننه ای برای این جنایات در صحنه های بین المللی نمی پردازد که تازه اینها از نتایج و فرجام های برجام است! که سرمایه بین المللی در جنب برجام و سپس توافق های حاصله در مسیر کشاندن جمهوری اسلامی به بازی روز و "عافل شدن" و پذیرفتن قوانین بازی شرکت در بالماسکه غارت گرانه نئولیبرال چشم روی قتل هام هایی بزرگتر به سوی بی خبری و بی اعتنایی بسته است. آنچه که میتوانم بنویسم این است که صدها فعال انقلابی جوان و سالخورده محیط های کارگری بدون نام و نشان و درگمنانی محض در زندانهای سراسر کشور بسر میبرند. آمار اخراج ها را میتوانید از روی خبرنامه ها و سایت های خود بجوید. ابعاد بیکاری سازی ها اخراج ها دستگیری ها بسیار است و من معتقدم که پشت و پناه و ستون فقرات ماندگاری مبارزین راه تشکیل و ایجاد تشکل های کارگری نمیتواند تنها افشاگری همتایان درون و برون مرز باشد و بی شک ستون دفاعی کمیته مبارزه اعضا و ندادارکات مخفی است. نگاهی به سازمانهای ماندگار انقلابی و کارگری در تمامی جنبش های طبقه کارگر تاییدکننده این موضع است. که در غیر اینصورت باید منتظر قربانیان بعدی بود که شایسته نام مانیتست.

وقتی خبر جان فشانی شاهرخ زمانی و حال کوروش بخشنده و حال روز صدها اسیر مبارز در دخمه های تروریستهای اسلامی و اعوان و انصار امپریالیستها و نوکران انحصارات سرمایه بین الملل را میگیرم ذهن و جان من میرود به سالهای دور به زمانی که همین بحث در سالهای واپسین دهه ۴۰ خورشیدی و آغاز دهه پنجاه رایج بود. شگفت که پس از این همه تجربه و تاریخ و توشه مبارزاتی مجددا آمدیم سر دعوی قدیمی. نیکوتر آنکه مبارزین راه رهایی کارگران و انقلابیون چپ بدانند که پیش کسوتان آنها در کشورهای دیگر تکرار کرده اند که فضای مبارزه وسیع و کسی جای دیگری را تنگ نمیکند ولی نتیجه هر روند و ترندی مبارزاتی گویای صحت و سقم آن است. اگر نمیخواهیم به راه رفته و کژ راه بعضی ها برویم بهتر آنکه دست در دست هم دهیم و استحکامات مخفی - علنی مبارزه را بها دهیم.

تاریخ جنبش کارگری و معاصر ایران نشان داده است که سرکوب و حکومت ترور دیکتاتوری ها و حال سلطه ای توتالیتر اکیدا اجازه حضور و گسترش تشکیلات آزاد و مستقل و فراگیر کارگری نمیدهد و فعالین و رهبران را سر به نیست و حذف مینماید. همچنین تاریخچه اقلا یکصد ساله حضور مناسبات سرمایه داری و به همین زعم جنبش کارگری هم ثابت کرد و لیکن در شرایط ویژه بین المللی چون جنگ های جهانی و تضعیف دیکتاتورهای کارگران توانسته اند با شل شدن بندهای ترور و سلطه خفقان حکومتی در تشکیل تشکلات گسترده خود موفق شوند. اکنون مبارزه دوسویه هسته ها و کمیته های مخفی کارگری میتوانند در شرایط سرکوب حکم ستون فقرات و عامل استمرار تلاش های کارگری از نوع نگرش زمانی ها و بخشنده ها باشند بدون اینکه یکی نفی دیگری باشد. این تلاش ها بی شک با رسیدن شرایط لازم میتوانند در جهت تشکیل ستاد رهبری جنبش کارگری و حزب انقلابی آنان تعیین کننده باشند.

